

رابطه سبک زندگی و مسئولیت‌پذیری فردی و اجتماعی (مطالعه موردی: نوجوانان دبیرستانی شیراز)

بیژن خواجه‌نوری*

سید ابراهیم مساوات**، زهرا ریاحی***

چکیده

دوران نوجوانی زمان ارزشمندی برای یادگیری مسئولیت‌پذیری اجتماعی است، زیرا در این دوران است که فرد دوست دارد استقلال بیشتری داشته باشد و باید تصمیماتی درباره برخی از ارزش‌ها و روش‌های رفتاری خود بگیرد. یکی از فاکتورهای اصلی که می‌تواند به انتخاب‌های نوجوانان پختگی ببخشد، میزان مسئولیت آن‌ها در کارهای شخصی و اجتماعی است. در این راستا، این پژوهش به بررسی رابطه بین سبک زندگی و مسئولیت‌پذیری فردی و اجتماعی در بین دانش‌آموزان شیرازی پرداخته است. تکنیک مورد استفاده در این تحقیق پیمایش است و داده‌ها از طریق پرسشنامه خودگزارشی جمع‌آوری شد. نتایج تحقیق بطور کلی بیانگر این است اگرچه مسئولیت‌پذیری در مدرسه و مسئولیت‌پذیری فردی در میان دختران بیش از پسرها بود اما، مسئولیت‌پذیری اجتماعی پسرها بیش از دختران می‌باشد. بعلاوه، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و فردی و مسئولیت‌پذیری در مدرسه رابطه معنی‌داری با ابعاد مختلف سبک زندگی دارد.

واژگان کلیدی: سبک زندگی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی، مسئولیت‌پذیری فردی، مسئولیت‌پذیری در مدرسه، نوجوانان دبیرستانی شیراز.

* دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز (نویسنده مسئول) Bkhaje@rose.shirazu.ac.ir

** دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه یاسوج s.ebrahimmosavat@gmail.com

*** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز zahra.reyahi@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۷/۱۳، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱۰/۹

۱- مقدمه

مسئولیت یک ویژگی شخصیتی است که معمولاً به صورت یک نگرش در ساختار روانی و رفتاری فرد شکل می‌گیرد و یک متغیر عمده و اساسی در رفتارهای اجتماعی محسوب می‌شود و لذا در آموزش رفتارهای اجتماعی جایگاه جالب توجهی دارد. مسئولیت‌پذیری در ابعاد فردی و اجتماعی، مفهومی است که می‌تواند ابزار و وسیله خوبی برای حفظ انسجام اجتماعی در عین احترام به تفاوت‌های موجود و فهم آن‌ها باشد.

مسئولیت‌پذیری نوعاً به این عنوان تعریف می‌شود که کسی بتواند تعهداتی را که بر عهده دارد، انجام دهد (Winter, 1992). معمولاً شاخص‌های مرتبط با مسئولیت‌پذیری با مواردی همچون موفقیت در کار (Barrick & Mount, 1991; Judge, Heller, & Mount, 2002)، عملکرد تحصیلی (Nofle & Robins, 2007)، سلامت روان (Saulsman & Page, 2002)، کیفیت روابط دوستانه نزدیک (Roberts & Bogg, 2004) و رفتارهای سلامتی همبسته با طول عمر (Bogg & Roberts, 2004) در هم آمیخته است. پنداشتن افراد بعنوان مسئولیت‌پذیر، بطور ویژه‌ای با سن آن‌ها در ارتباط است. در مطالعه‌ای جوانان ادعا می‌کردند که مسئولیت‌پذیری یک ویژگی اصلی است که نیاز است فرد بعنوان «شخص بالغ» در نظر گرفته شود (Arnett, 2000). در این بین، مدارکی دال بر این وجود دارد که عدم مسئولیت‌پذیری بطور فزاینده‌ای با محرومیت اجتماعی و ارزیابی‌های اجتماعی منفی از سنین بلوغ به بزرگسالی در ارتباط است (Wood, Gosling, & Potter, 2007; Wood & Roberts, 2006).

مسئولیت‌پذیری در یک تقسیم بندی کلی به دو بخش مسئولیت‌پذیری فردی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی تقسیم می‌شود. مسئولیت‌پذیری فردی به این معناست که فرد «خود را نسبت به خود و موقعیتی که در آن قرار گرفته و همچنین نیازها و بهروزی دیگران مسئول بداند» (Mergler et al., 2007 b). اما ایده اساسی مسئولیت‌پذیری اجتماعی - در مورد جوانان - به رسمیت شناختن این نکته است که جوانان بخشی از جامعه هستند و آن‌ها باید در آرمان‌ها و اهداف اجتماعی مشارکت کنند (Wood & Roberts, 2006). از سوی دیگر، کلی و همکارانش (Keli et al., ۲۰۰۸) مسئولیت‌پذیری اجتماعی را در ارتباط نزدیکی با مفاهیمی چون حقوق بشر، عدالت اجتماعی و تعامل اجتماعی می‌دانند.

دوران نوجوانی زمان ارزشمندی برای یادگیری مسئولیت‌پذیری اجتماعی است، زیرا در این دوران است که فرد دوست دارد استقلال بیشتری داشته باشد و باید تصمیماتی درباره برخی از ارزش‌ها و روش‌های رفتاری خود بگیرد. یکی از فاکتورهای اصلی که می‌تواند به انتخاب‌های نوجوانان پختگی ببخشد، میزان مسئولیت آن‌ها در کارهای شخصی و اجتماعی است. تنها با آگاهی از دلایل انتخاب انجام شده و اراده برای پذیرش مسئولیت این انتخاب است که افراد می‌توانند به دنبال تغییر شرایط، دیدگاه‌ها و نتایج حاصل از آن‌ها باشند و گرنه کوشش برای تغییر بی‌معنا بوده، احساس بی‌قدرتی و انفعال فرد را از انجام اصلاح در زندگی خود باز خواهد داشت (سروش، ۱۳۹۱: ۱۹۶).

بطور کلی، مسئولیت‌پذیری در بُعد فردی زمینه‌ساز مسئولیت‌پذیری اجتماعی است و مسئولیت‌پذیری اجتماعی، پیامدهای اجتماعی و فرهنگی زیادی دارد که یکی از مهمترین آن‌ها دیگرخواهی در روابط اجتماعی است. مسئولیت‌پذیری و دیگرخواهی نه تنها دارای آثار خاص پیش گفته هستند، بلکه از آثار اجتماعی آن‌ها در شرایط جامعه مدرن نیز نمی‌توان غافل بود. در جامعه‌ای که اکثر روابط، غیرشخصی و تعمیم یافته؛ بر اساس نقش و نه هویت فردی و خانوادگی افراد برقرار می‌شود، جریان تعامل اجتماعی در شبکه بزرگ نظام اجتماعی به صورت نوعی مبادله تعمیم یافته، صورت می‌گیرد، بنابراین وجود اعتماد متقابل به هنجارهای عام نظام اجتماعی مقوم کارکرد صحیح جامعه است. افراد در جریان تعامل با سایرین و درک موضوعات گوناگون، به آگاهی اجتماعی خود افزوده و از این طریق مهارت‌های اجتماعی لازم را جهت اقدام در عرصه‌های اجتماعی به دست می‌آورند. با توجه به این که مسئولیت‌پذیری اجتماعی، توانایی‌های اجتماعی، انگیزه تحصیلی، توجه به مباحث اخلاقی و اجتماعی، انضباط شخصی، احساس وظیفه نسبت به دیگران، احترام به دیگران، تعهد به اجتماع و ... را افزایش می‌دهد، توجه به این مسئله بسیار مهم است. اهمیت مسئولیت‌پذیری در شرایط جامعه چند فرهنگی موجود ایران اهمیت مضاعف پیدا می‌کند. بنابراین مطالعه مسئولیت‌پذیری و متغیرهای مرتبط با آن از جمله سبک‌های متفاوت زندگی با توجه به پتانسیلی که در حل مشکلات و مسائل اجتماعی دارد، می‌تواند از اهمیت زیادی برخوردار بوده، در ارائه برنامه‌های عملی برای کاهش این مسائل راهگشا باشد.

علاوه بر مطالب ذکر شده پیرامون اهمیت موضوع مسئولیت‌پذیری، بر اساس مطالعاتی که پیرامون این مسئله در داخل کشور صورت گرفته است، میزان مسئولیت‌پذیری جوانان و نوجوانان در جامعه‌های آماری مختلف کشور ما، در حد متوسط و یا پایین تر از متوسط

است (خدابخشی و عابدی، ۱۳۸۸؛ ناظری، ۱۳۸۸؛ طالبی و خوشبین، ۱۳۹۱؛ سروش، ۱۳۹۱). همین حد پایین مسئولیت‌پذیری در جامعه ما به مشکلات متعددی را دامن زده است که از جمله آن‌ها می‌توان به کاهش اعتماد اجتماعی، بی‌تفاوتی سیاسی، بی‌تفاوتی زیست محیطی، بی‌تفاوتی اجتماعی، ستیزه و جدال و... اشاره کرد. به عنوان یک مثال می‌توان یادآور شد که هم اکنون ایران در میان کشورهای جهان از لحاظ خشونت و نزاع های خیابانی جزو ۵ کشور اول محسوب می‌شود که یکی از دلایل آن می‌تواند این باشد که سطح مسئولیت‌پذیری شهروندان نسبت به یکدیگر در حد پایینی قرار دارد (ناظری، ۱۳۸۸). در حالی که اگر جوانان و نوجوانان در خانواده و مدرسه مسئولیت‌پذیری را یاد بگیرند، و مردم مشاهده کنند که قانون‌پذیران جایگاه شایسته تری نسبت به قانون‌گریزان دارند، افراد کمتر به سوی نقش آن می‌روند و آرامش روانی حاصل از احساس مسئولیت به دیگران درون جامعه‌مان ایجاد می‌شود.

در مطالعات گذشته مسئولیت‌پذیری با متغیرهای مختلفی از جمله دیگرخواهی و اعتماد اجتماعی (سروش، ۱۳۹۱)، قومیت، پایگاه اقتصادی - اجتماعی و عام‌گرایی (طالبی و خوشبین، ۱۳۹۱)، جهانی شدن (سبحانی جو، ۱۳۸۴)، تبلیغات (Preston, 2005)، آگاهی اجتماعی (Bennett, 1999) و... سنجیده شده است اما به سبک‌های زندگی کمتر توجهی شده است، بنابراین تمرکز این پژوهش بر فرایند مسئولیت‌پذیری با توجه به تنوع سبک‌های زندگی در میان جوانان است. چرا که ظهور جامعه مصرفی به واسطه فزونی کالاهای مادی از یک سو و دموکراتیزه شدن مصرف و عمومیت یافتن آن از سوی دیگر، به انتخابی شدن زندگی روزمره می‌انجامد و همین امر نشان دهنده اهمیت روزافزون سبک زندگی در جامعه معاصر می‌باشد، سبک زندگی نتیجه همه‌گزینه‌ها، ترجیحات و رفتارهایی است که فرد در ارتباط با کالاهای مادی و فرهنگ مصرفی انجام می‌دهد (ربانی و رستگار، ۱۳۸۷: ۴۵). با توجه به آنچه تاکنون اشاره شد، تحقیق حاضر در پی پاسخگویی به سؤالات زیر می‌باشد:

میزان مسئولیت‌پذیری فردی و اجتماعی و مسئولیت‌پذیری در مدرسه در میان جامعه آماری تحقیق به چه میزان است؟ رابطه ابعاد سه‌گانه مسئولیت‌پذیری با سبک‌های زندگی گوناگون چیست؟ کدامیک از ابعاد سبک زندگی موجب تقویت ابعاد مسئولیت‌پذیری می‌شوند؟

۲- ادبیات تحقیق

تحقیقات انجام شده نشان می‌دهد که افراد هرچه بیشتر خود را مسئول بدانند، به مسائل و پیامدهای اعمال خود بیشتر توجه کرده، آن‌ها را جدی‌تر می‌گیرند و برای حل آن‌ها بیشتر می‌کوشند (Menzies et al., 2000). مشکلات رفتاری نوجوانان در مدرسه را می‌توان با برنامه‌های خاص افزایش مسئولیت‌پذیری فردی و اجتماعی کاهش داد (Martinek et al., 2010 & Escarti et al., 2003 & Lasater et al., 2001). و روابط آن‌ها را با همسالان و والدین و معلمان‌شان بهبود بخشید (Mergler et al., 2008) و احساس کارایی، هوش هیجانی و عزت نفس آن‌ها را افزایش داد (Mergler et al., 2007).

تحقیقات اخیر در زمینه‌های مختلف نشان می‌دهد که تجارب درون روابط و نقش‌های اجتماعی، می‌تواند بر گسترش مسئولیت‌پذیری تأثیر بگذارد. برای مثال مشخص شده است که مسئولیت و جنبه‌های مختلف وظیفه‌شناسی در میان کسانی که متأهلند افزایش می‌یابد (Roberts & Bogg, 2004) و موجب ارتقای شغلی در بین کارمندان می‌گردد (Roberts, 1997). تحقیقی در مورد کودکان اشاره می‌کند که شیوه منظم رفتاری والدین احتمالاً با گسترش سطح وظیفه‌شناسی کودکان مرتبط است (Kochanska, 1997; Kochanska, Murray, & Harlan, 2000). در دوران بلوغ، پیشنهاد شده است که سطوح بالاتر مسئولیت فردی می‌تواند نتیجه مطالبه جوانان در مواجهه با انجام تکالیف باشد (Warton, 2001).

رای-لایک (Wray-Lake) ادعا می‌کند که ارتقای نوجوانان بعنوان شهروندان مسئولیت‌پذیر یک هدف مشترک بین پژوهشگران، وکلا و والدین است. تجدید نظرهای اخیر برای سنجیدن نظریه اجتماعی شدن، بحث می‌کند که استراتژی‌های والدین برای انتقال ارزش‌ها به فرزندان تعدیل یافته و نوجوانان عوامل فعالی در این فرایند هستند. برای مطالعه این مورد رای-لایک تحقیقی انجام داد. نتایج حاصل از مدل رگرسیونی حاکی از آن است که ارزش‌های خودمتمالی و اعتقادات مسئولیت‌پذیری اجتماعی و باورهای سلامتی عمومی نوجوانان تحت تأثیر پنداشت آن‌ها از دلسوزی والدینشان می‌باشد (Wray-Lake, 2010).

پرستون (Preston) درباره مسئولیت‌پذیری اجتماعی و تبلیغات در کودکان پژوهشی را انجام داده و نتیجه می‌گیرد که اگر چه کودکان کوچک‌تر در برابر پیام‌های تبلیغاتی آسیب

پذیرتر هستند، اما لزوماً اینگونه نیست که پیام‌های تبلیغاتی، مسئولیت‌پذیری کودکان را تضعیف کنند (Preston, 2005).

سروش در بررسی رابطه میان احساس مسئولین فردی و اجتماعی، اعتماد اجتماعی و رفتارهای دیگر خواهانه در میان نوجوانان بیان می‌کند که بیش از نیمی از نوجوانان شیرازی مورد مطالعه حداقل در سطح متوسط احساس مسئولیت‌پذیری فردی و اجتماعی داشته و در حد متوسطی نیز واجد اعتماد اجتماعی بوده‌اند. نتایج استنباطی نشان می‌دهد که مسئولیت‌پذیری فردی با اعتماد اجتماعی، اعتماد به گروه‌ها و دیگرخواهی رابطه مثبت و معنی‌داری دارد اما مسئولیت‌پذیری اجتماعی با اعتماد رابطه منفی معنادار داشته و با دیگرخواهی رابطه معنی‌داری ندارد (سروش، ۱۳۹۰).

۳- مبانی نظری

جامعه‌شناسان اولیه همچون دورکیم، وبر و زیمل، همواره مواردی مانند فردگرایی شدید، کاهش اخلاق جمعی و اختلال در مسئولیت‌پذیری را از جمله مسائل و دغدغه‌های جوامع مدرن می‌دانستند (کوزر، ۱۳۸۶).

تعهد و مسئولیت‌پذیری اجتماعی از ویژگی‌های شخصیتی افراد است که تحت تأثیر عوامل فرهنگی و اجتماعی قرار دارد (کرایب، ۱۳۸۹: ۵۳ به نقل از پارسونز). پارسونز، با تأکید بر عام‌گرایی آن را به عنوان یکی از عوامل اجتماعی می‌خواند که منجر به افزایش مسئولیت‌پذیری اجتماعی کنشگران می‌شود. عام‌گرایی یکی از عناصر ساختی نظام کنش در فرایند انتخاب‌های دوتایی است که کنشگران در موقعیت انجام عمل می‌بایست بر اساس استانداردهای عام نقش، با دیگران برخورد نمایند (استونز، ۱۳۸۸: ۱۵۷ و روشه، ۱۳۷۶: ۷۰).

با استفاده از نظریات اندیشمندان مختلف می‌توان بیان کرد که مسئولیت‌پذیری تحت تأثیر عوامل مختلفی مانند تمایزات طبقاتی (بورديو)، دینداری (دورکیم، وبر، پارسونز) و استفاده از رسانه‌های گروهی (گربنر) قرار می‌گیرد. مجموعه مواردی که ذکر شد می‌تواند بیانگر شیوه و سبک زندگی متفاوتی باشد که در افراد مختلف، گوناگون است و در نتیجه میزان متفاوتی از مسئولیت‌پذیری را در افراد ایجاد می‌کند.

در خصوص تمایزات طبقاتی و در نتیجه شکل‌گیری هویت‌های مختلف باید اشاره کرد که گروه‌های هم‌رده و هم‌طبقه با شیوه‌های مختلف، خود را از الگوهای مصرفی گروه دیگر متمایز می‌کنند. در این بین گروه‌های خاص، به ویژه طبقات اجتماعی - اقتصادی، از میان انواع کالاهای مصرفی، روش‌های لباس پوشیدن، غذا خوردن، تفریح و ورزش، آرایش کردن، مبلمان و تزئین داخلی منزل و... انتخاب‌هایی را انجام می‌دهند تا روش زندگی مجزای خود را مشخص و خود را از دیگران متمایز کنند (بورديو، ۱۹۸۴: ۳۰). عامل اصلی اینگونه تمایزات طبقاتی و هویتی و شکل‌گیری عملکردهای گوناگون، ذائقه است (لنان (Lenehan) ۱۹۹۴: ۴ به نقل از بورديو)؛ ذائقه، مصرف را جهت می‌دهد و با شکل‌دهی به آن سبک‌های زندگی متفاوتی شکل می‌گیرد. زیرا ذائقه مجموعه‌ای از انتخاب‌ها را فراهم می‌آورد که به صورت کلی سبک‌های زندگی را سامان می‌بخشد.

در ادامه مطالب فوق باید تأکید کرد که اندیشه و عملکرد کنشگران اجتماعی بیش از هر چیز تحت تأثیر ساخت‌های اقتصادی و اجتماعی است (ساترتون (Southerton)، ۲۰۰۱ به نقل از بورديو). افراد در درون پایگاه اقتصادی و اجتماعی خود به تدریج ذائقه‌هایی را بدست می‌آورند که هر یک از این ذائقه‌ها (نوع خوراک، پوشاک، تفریحات، ورزش، علایق و سلاقی) در ادامه بر نحوه نگرش، تصمیم‌گیری و عملکرد آن‌ها تأثیر می‌گذارد (ممتاز، ۱۳۸۳: ۲۷ به نقل از بورديو). بر اساس آنچه گفته شد به نظر می‌رسد که میزان مسئولیت‌پذیری به عنوان احساس و عملکرد اجتماعی، در طبقات مختلف بر اساس سبک زندگی آن‌ها متفاوت باشد و افراد متفاوت با توجه به ساختمان‌های ذهنی مشابه که بر مبنای سبک زندگی خاص خود کسب کرده‌اند، ارتباط معناداری را با مسئولیت‌پذیری تجربه کنند.

بعلاوه در خصوص ارتباط مسئولیت‌پذیری با سبک‌های زندگی مختلف می‌توان اشاره نمود که افراد تحت تأثیر تمایزات اجتماعی و ذائقه‌هایی که پیدا می‌کنند، نوع رفتارهای اجتماعی‌شان - واز جمله مسئولیت‌پذیری - تغییر می‌کند؛ چراکه همانطور که قبلاً اشاره شد ذائقه مجموعه‌ای از انتخاب‌ها را فراهم می‌آورد که به صورت کلی سبک‌های زندگی و رفتارهای افراد مشمول آن سبک زندگی سامان می‌بخشد. مسئولیت‌پذیری از سوی فرد در یک میدان اجتماعی رخ می‌دهد. فردی که مسئولیت‌پذیری دارد، احتمالاً در نظر دارد که چگونه رفتارها و تصمیماتش بر دیگران تأثیر خواهد گذاشت؛ چراکه افراد در جریان تعامل با سایرین و درک موضوعات گوناگون، به آگاهی اجتماعی خود افزوده و از این طریق

مهارت‌های اجتماعی لازم را جهت اقدام در عملکردهای اجتماعی به دست می‌آورند. در این راستا به نظر می‌رسد سبک‌های زندگی مختلف می‌تواند بر مسئولیت‌پذیری اثرگذاری داشته باشد، برای مثال سبک زندگی دینی با توجه به تأکیدات و اهمیتی که بر روابط متقابل با دیگران، حقوق دیگران و... می‌گذارد، می‌تواند زمینه‌ساز افزایش مسئولیت‌پذیری در ابعاد مختلف باشد. از سوی دیگر سبک‌های گذران فراغتی که مبتنی بر فردگرایی و یا روابط محدود باشد، و همچنین استفاده زیاد از رسانه‌ها و محیط‌های مجازی که معمولاً نیازمند حضور دیگران نیست، بستر کاهش مسئولیت‌پذیری را رقم می‌زند که البته با توجه به سایر نظریات نیز می‌توان آن‌ها را توضیح داد که در ادامه اشاره شده است.

در خصوص لزوم کنترل و الزام‌های دینی و ارتباط آن با مسئولیت‌پذیری کنشگران می‌توان به دورکیم اشاره کرد. در نگاه دورکیم، کاهش در اعتقادات و میزان دینداری افراد، زمینه نابهنجاری اجتماعی را فراهم کرده است. بعبارت دیگر، داشتن التزام به هنجارهای دینی و انجام مناسک مذهبی در بالا بردن مسئولیت‌پذیری کنشگران نقش اساسی دارد (همیلتون، ۱۳۸۷). همچنین از نگاه وبر مسئولیت‌پذیری اجتماعی را می‌توان به کنش عقلانی معطوف به ارزش نسبت داد. کنشی که بر اساس آن هنجار، اخلاق و نوع‌دوستی به عنوان یک ارزش برجسته می‌باشند. از این روست که ماکس وبر، مسئولیت اجتماعی را مترادف با اخلاق مسئولیت‌می‌دانست و مهمترین خصلت آن را ارادی و آزاد بودن فرد عنوان می‌کرد (ترنر و روجک (Turner&Rojek)، ۲۰۰۱: ۱۱۴-۱۱۵ به نقل از طالبی و خوشبین، ۱۳۹۱).

از سوی دیگر به نظر می‌رسد چگونگی استفاده از رسانه‌های جمعی به عنوان یکی از عوامل جامعه‌پذیر کردن افراد جامعه می‌تواند در بالا بردن مسئولیت‌پذیری اجتماعی جوانان نقش آفرینی کند. در همین رابطه گرینر، بر اهمیت تأثیر رسانه‌های جمعی بویژه تلویزیون بر اندیشه و عملکردهای کنشگران اجتماعی تأکید دارد. بر مبنای این نظریه گفته می‌شود که رسانه‌های جمعی قابلیت ایجاد، کنترل و یا تغییر نگرش و اعمال مخاطبان را دارند (طالبی و خوشبین، ۱۳۹۱). البته در همین راستا می‌توان از مباحث تأثیر رسانه‌ها در چارچوب بحث سبک زندگی بوردیو نیز استفاده نمود (باکاک، ۱۳۸۱)؛ چراکه رسانه‌ها بعنوان یکی از اقلام انواع کالاهای مصرفی، منجر به انتخاب‌هایی می‌شوند تا افراد روش زندگی مجزای خود را مشخص و خود را از دیگران متمایز کنند (حمیدی و فرجی، ۱۳۸۶: ۷۲).

به مطالبی که گفته شد می‌توان نوع تفریحات و ورزش، شیوه‌های معاشرت و گذران اوقات فراغت را نیز اضافه نمود (باکاک، ۱۳۸۱، به نقل از بوردیو). در این رابطه می‌توان گفت سبک‌های فراغتی جمع‌محور جوانان را مسئولیت‌پذیرتر از سبک‌های فراغتی فرد‌محور می‌کند. همچنین تفریحات و ورزش‌های جمعی، نسبت به ورزش‌های انفرادی، حس مسئولیت‌پذیری را در جوانان تقویت می‌کند. بر اساس آنچه در قسمت نظری مطرح شد، فرضیات زیر مطرح می‌گردد:

- بین مسئولیت‌پذیری فردی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و مسئولیت‌پذیری در مدرسه و جنسیت پاسخگویان رابطه وجود دارد.

- بین مسئولیت‌پذیری در مدرسه و ابعاد سبک زندگی (فعالتهای اوقات فراغت، فعالیت‌های مذهبی، رسانه‌های گروهی و شبکه‌های مجازی و سبک ورزشی - فرهنگی) رابطه وجود دارد.

- بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی و ابعاد سبک زندگی (فعالتهای اوقات فراغت، فعالیت‌های مذهبی، رسانه‌های گروهی و شبکه‌های مجازی و سبک ورزشی - فرهنگی) رابطه وجود دارد.

- بین مسئولیت‌پذیری فردی و ابعاد سبک زندگی (فعالتهای اوقات فراغت، فعالیت‌های مذهبی، رسانه‌های گروهی و شبکه‌های مجازی و سبک ورزشی - فرهنگی) رابطه وجود دارد.

۴- روش تحقیق

این تحقیق با روش تحقیق کمی به شیوه پیمایشی، انجام پذیرفته است که شیوهی مناسبی برای تحقیقاتی از این دست محسوب می‌شود؛ زیرا جامعه‌ی آماری و حجم نمونه مورد بررسی گسترده بوده است. چارچوب نمونه‌گیری تحقیق محدود به مصوب شهر شیراز بود. شیوه‌ی نمونه‌گیری تصادفی چند مرحله‌ای بود. در شهر شیراز ۱۰ منطقه وجود دارد که از تمامی آنها نمونه‌هایی انتخاب شدند. از هر منطقه چهار حوزه به‌گونه‌ی تصادفی برگزیده و سپس در درون هر حوزه مدارس انتخاب گردید و بر اساس جنسیت و رشته تحصیلی دانش‌آموزان، پرسشنامه در میان آنها توزیع گردید. برای محاسبه‌ی حجم نمونه پژوهش از روش نمونه‌گیری لین (Lin) استفاده شد (لین، ۱۹۷۸: ۴۴۶-۴۴۷). نمونه‌ی گزینشی با

ضریب پایایی ± 5 ، ضریب اطمینان ۹۵ درصد و واریانس جمعیت ۵۰-۵۰ درصد (فرض بالاترین حد واریانس در جمعیت) در میان ۱۵۲۳ دانش آموز انتخاب گردید.

۴-۱- تعاریف متغیرها

* **سبک زندگی:** برخی مطالعات سبک زندگی را بعنوان الگوها و عادات غذایی ذک کرده اند (Tomlinson, 2003; Sarafzadegan et al., 2009; Hymen et al., 2009). برخی مطالعات دیگر، سبک زندگی را بعنوان الگوهای رفتاری، اوقات فراغت و استفاده از کالاهای مادی و فرهنگی بیان کرده اند (فاضلی، ۱۳۸۲؛ Ross: 2004). در این پژوهش ابعاد مختلف سبک زندگی بر اساس تحلیل عامل اکتشافی بصورت زیر بدست آمده است:

لازم به ذکر است در تحقیق حاضر مقدار KMO عددی به اندازه ۰/۹۱۳ را نشان می دهد. این عدد به ما می گوید که ۹۱/۳ درصد از همبستگی‌های مشاهده شده مربوط به خود متغیرها است و در نتیجه تحلیل عاملی مناسبی خواهیم داشت (با توجه به اینکه ۰/۵ پایه قبول تحلیل عاملی است). از سوی دیگر آزمون کروی بارتلت نشان می دهد که اگر ماتریس ضریب همبستگی همانی شود، همبستگی بین متغیرها صفر می شود، یعنی متغیرها هیچ تعاملی با هم ندارند و تقلیل داده‌ای صورت نمی گیرد و در نتیجه تحلیل عاملی قابل کاربرد نخواهد بود. بر اساس نتایج از آنجا که میزان خردی دو آزمون کروی بارتلت، عدد ۲۱۵۷۲/۶۴ را نشان می دهد و در سطح معناداری ۹۹ درصد معنادار است، نشان دهنده‌ی این واقعیت است که تحلیل عاملی صورت گرفته به درستی انجام شده است.

جدول ۱- آزمون KMO و کروی بارتلت مربوط به سبک زندگی

Kaiser-Meyer-Olkin Measure of Sampling Adequacy.		۰/۹۱۳
Bartlett's Test of Sphericity	Approx. Chi-Square	۲۱۵۷۲/۶۴
	df	۹۴۶
	Sig.	۰/۰۰۰

* **رسانه های گروهی و شبکه های مجازی:** شامل تماشای کانال های خارجی و استفاده از اینترنت برای مشاهده ی شو، فیلم، عکس هنرپیشه ها، استفاده از اینترنت برای یافتن مدل های لباس، مطالعه ی سایت های اینترنتی آرایشی و لوازم مرتبط با آن، پیامک

بازی، بلوتوس بازی، و... می‌باشد. پایایی گویه‌های سازنده شبکه‌های مجازی ۰/۸۷ می‌باشد.

*** سبک ورزشی - فرهنگی:** این مورد شامل حضور در کافی نت، شنا کردن، رفتن به تماشای مسابقات (والیبال، فوتبال، بسکتبال) و حضور در سینما می‌باشد. ضریب پایایی این سبک زندگی ۰/۷۷ می‌باشد.

*** فعالیت‌های مذهبی:** شامل تماشای برنامه‌های مذهبی تلویزیون داخلی، همکاری با هیئت‌های دینی، حضور در مکان‌های زیارتی (مذهبی)، گوش دادن به برنامه‌های مذهبی رادیو داخلی، انجام فعالیت‌های مذهبی در خانه (مانند نمازهای روزانه) و... می‌باشد. پایایی گویه‌های تشکیل دهنده ۰/۸۷ می‌باشد.

*** فعالیت‌های اوقات فراغت:** شامل فعالیت‌هایی مانند گشت و گذار در خیابان‌ها و پاساژها، انجام فعالیت هنری مانند نقاشی، نوازندگی، خیاطی، حضور در پارک‌ها و تفرج‌گاه‌ها، صرف غذا در فست فود، ساندویچ فروشی، کلاس زبان‌های خارجی یا آموزش رایانه و نرم‌افزارهای آن، بودن در کنار دوستان و... می‌باشد. پایایی گویه‌ها ۰/۷۹ می‌باشد.

*** مسئولیت‌پذیری:** کلمز و بین (Clemes & Been) مسئولیت را به مفهوم تصمیم‌گیری مناسب و مؤثر دانسته‌اند. منظور آن‌ها از تصمیم‌گیری مناسب این است که فرد در چارچوب هنجارهای اجتماعی و انتظاراتی که از او می‌رود، دست به انتخاب بزند که سبب ایجاد روابط انسانی مثبت، موفقیت و افزایش ایمنی و آسایش خاطر می‌شود و منظور از پاسخ مؤثر پاسخی است که فرد را قادر سازد تا به هدف‌هایی که باعث تقویت عزت نفسش می‌شوند، دست یابد (کلمز و بین، ۱۳۸۵). برای مسئولیت‌پذیری بر اساس تحلیل عامل ابعاد زیر تعریف گردید:

جدول ۲- آزمون *KMO* و کروی بارتلت مربوط به مسئولیت‌پذیری

Kaiser-Meyer-Olkin Measure of Sampling Adequacy.		۰/۸۵۷
Bartlett's Test of Sphericity	Approx. Chi-Square	۵۵۵۰/۹۹۳
	Df	۱۰۵
	Sig.	۰/۰۰۰

* **مسئولیت‌پذیری در مدرسه:** کمک به مسئولین مدرسه در امور مدرسه، شانه خالی نکردن از انجام کارهایی که از عهده‌ی من بر می‌آید، آرامش دادن به همکلاسی‌هایی که خیلی ناراحت هستند. آلفای کرونباخ این متغیر ۰/۷۱ بود.

* **مسئولیت‌پذیری اجتماعی:** انسان بعنوان موجودی اجتماعی در زندگی جمعی خویش در برابر دیگران مسئول است و می‌بایست برای حقوق دیگران احترام قائل شود. دیگرانی که در دو نوع خاص و عام قابل تفکیک می‌باشند. مسئولیت‌پذیری خاص ناظر بر تعهد و مسئولیت در قبال دیگرانی است که کنشگر رابطه عاطفی با آن‌ها دارد مانند: پدر، مادر، خواهر، برادر، فرزند و دوستان. اما مسئولیت‌پذیری عام به دیگری عام اشاره دارد که رابطه کنشگر با آن‌ها قراردادی و غیرعاطفی است. مثلاً همه افراد جامعه بعنوان شهروند لازم است تا در برابر دیگر شهروندان و امور جامعه خود احساس مسئولیت کنند (طالبی و خوشبین، ۱۳۹۱: ۲۱۱). گویه‌هایی چون: اگر کسی دچار آسیب‌دیدگی شود، به کمک او می‌شتابم، هر کس باید در پاکیزه نگه‌داشتن محله‌ی خود کوشش کند، حق تقدم دیگران را در صف‌های مختلف رعایت می‌کنم. آلفای کرونباخ این متغیر ۰/۸۵ بود.

* **مسئولیت‌پذیری فردی:** همانطور که قبلاً اشاره شد مسئولیت‌پذیری فردی به این معناست که فرد «خود را نسبت به خود و موقعیتی که در آن قرار گرفته و همچنین نیازها و به‌روزی دیگران مسئول بداند» (مرگلر و همکاران، ۲۰۰۷ ب). گویه‌هایی مانند اتو زدن لباس‌های شخصی، شستن لباس‌ها، درس خواندن بدون فشار والدین. آلفای کرونباخ این متغیر ۰/۷۸ بود.

۵- یافته‌های تحقیق

جدول ۳- مقایسه‌ی تفاوت میانگین جنسیت پاسخگویان در ابعاد مختلف مسئولیت‌پذیری

معنی‌داری	مقدار t	انحراف معیار	میانگین	متغیرهای وابسته	
۰/۰۰۰	-۷/۸۳	۶/۷۷	۲۰/۱۳	پسر	مسئولیت‌پذیری در مدرسه
		۵/۵۲	۲۲/۹۷	دختر	
۰/۰۰۰	۴/۱۴	۵/۹۲	۱۲/۴۶	پسر	مسئولیت‌پذیری اجتماعی
		۶/۰۵	۱۱/۰۶	دختر	
۰/۰۰۰	-۵/۹۳	۵/۲۳	۹/۳۳	پسر	مسئولیت‌پذیری

فردی	دختر	۱۱/۰۵	۵/۱۸
------	------	-------	------

همانطور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، میانگین نمره دختران در مسئولیت‌پذیری در مدرسه (۲۲/۹۷) و مسئولیت‌پذیری فردی (۱۱/۰۵) بیش از پسرها (۲۰/۱۳ و ۹/۳۳) می‌باشد. اما میانگین نمره پسرها در مسئولیت‌پذیری اجتماعی (۱۲/۴۶) بیش از میانگین نمره دخترها (۱۱/۰۶) است. همچنین بر اساس جدول ۱ می‌توان گفت رابطه معنی‌داری بین ابعاد مختلف مسئولیت‌پذیری با گروه‌های جنسیتی وجود دارد.

جدول شماره ۴: همبستگی بین مسئولیت‌پذیری در مدرسه و ابعاد سبک زندگی

مسئولیت‌پذیری در مدرسه	متغیرهای مستقل
-۰/۱۲۷**	فعالیت‌های اوقات فراغت
۰/۱۶۷**	فعالیت‌های مذهبی
-۰/۱۶۴**	رسانه‌های گروهی و شبکه‌های مجازی
-۰/۰۱۱	سبک ورزشی - فرهنگی

** $p < 0.01$, * $p < 0.05$

جدول ۴ نشان می‌دهد که رابطه همبستگی بین فعالیت‌های اوقات فراغت، فعالیت‌های مذهبی و رسانه‌های گروهی و شبکه‌های مجازی (متغیرهای مستقل) و مسئولیت‌پذیری در مدرسه (متغیر وابسته) وجود دارد. اما رابطه معنی‌داری بین سبک زندگی ورزشی - فرهنگی و مسئولیت‌پذیری در مدرسه وجود ندارد. بر اساس ضریب همبستگی در سطح معنی‌داری ۹۹ درصد، رابطه مثبت و مستقیمی بین فعالیت‌های مذهبی و مسئولیت‌پذیری در مدرسه برقرار است. بدین معنا که هرچه فعالیت‌های مذهبی پاسخگویان بیشتر باشد، مسئولیت‌پذیری آن‌ها در مدرسه هم بیشتر خواهد بود. از سوی دیگر همانطور که در جدول مشاهده می‌شود، رابطه منفی بین فعالیت‌های اوقات فراغت و رسانه‌های گروهی و شبکه‌های مجازی با مسئولیت‌پذیری در مدرسه وجود دارد.

جدول شماره ۵: همبستگی بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی و ابعاد سبک زندگی

مسئولیت‌پذیری اجتماعی	متغیرهای مستقل
-----------------------	----------------

فعالیت‌های اوقات فراغت	-۰/۰۹۴**
فعالیت‌های مذهبی	۰/۴۱۱**
رسانه‌های گروهی و شبکه‌های مجازی	۰/۰۴۵
سبک ورزشی - فرهنگی	۰/۲۳۴**

**p < ۰/۰۱, *p < ۰/۰۵

جدول ۵ بیانگر این است که رابطه مثبتی بین فعالیت‌های مذهبی و سبک ورزشی - فرهنگی (از قبیل شنا کردن، بسکتبال، رفتن به سینما، تئاتر و نمایشگاه‌ها) و مسئولیت‌پذیری اجتماعی وجود دارد. فعالیت‌های دینی و حضور در جلسات مذهبی نقش مهمی در یکپارچگی معنوی و پذیرش مسئولیت اجتماعی در میان مردم دارد. از سوی دیگر رابطه ای منفی بین فعالیت‌های اوقات فراغت - مرتبط با جهانی شدن - و مسئولیت‌پذیری اجتماعی وجود دارد (در واقع ظاهراً افراد هرچه بیشتر تحت فرایند جهانی شدن قرار بگیرند، مسئولیت‌پذیری اجتماعی آن‌ها کاهش می‌یابد). اما رابطه معنی‌داری بین رسانه‌های گروهی و شبکه‌های مجازی با مسئولیت‌پذیری اجتماعی وجود ندارد.

جدول شماره ۶: همبستگی بین مسئولیت‌پذیری فردی و ابعاد سبک زندگی

متغیرهای مستقل	مسئولیت‌پذیری فردی
فعالیت‌های اوقات فراغت	-۰/۱۵۸**
فعالیت‌های مذهبی	۰/۲۸۴**
رسانه‌های گروهی و شبکه‌های مجازی	-۰/۱۳۱**
سبک ورزشی - فرهنگی	۰/۰۴۷

**p < ۰/۰۱, *p < ۰/۰۵

جدول ۶ نشان می‌دهد که رابطه منفی بین فعالیت‌های اوقات فراغت و رسانه‌های گروهی و شبکه‌های مجازی (مجلات، روزنامه، تلویزیون، استفاده از بلوتوس و پیامک و...) و مسئولیت‌پذیری فردی وجود دارد. اینچنین فعالیت‌ها و تسهیلاتی روابط عمومی جدیدی را شکل می‌دهند و دیدگاه‌ها و علایق افراد را گسترش می‌دهند. بر اساس نتایج هر چه افراد از این سبک‌های زندگی استفاده بیشتری داشته باشند، مسئولیت‌پذیری

فردی‌شان کاهش می‌یابد. بعلاوه رابطه مثبتی بین فعالیت‌های مذهبی و مسئولیت‌پذیری فردی وجود دارد؛ یعنی افراد مذهبی‌تر، مسئولیت‌پذیری فردی بیشتری دارند.

جدول شماره ۷: همبستگی بین مسئولیت‌پذیری کلی و ابعاد سبک زندگی

متغیرهای مستقل	مسئولیت‌پذیری کلی
فعالیت‌های اوقات فراغت	۰/۱۵۵**
فعالیت‌های مذهبی	۰/۳۶۹**
رسانه‌های گروهی و شبکه‌های مجازی	-۰/۰۹۵**
سبک ورزشی- فرهنگی	۰/۱۲۲**

** $p < 0.01$, * $p < 0.05$

همانطور که در جدول ۷ مشاهده می‌شود، رابطه مثبتی بین فعالیت‌های مذهبی و سبک ورزشی- فرهنگی با مسئولیت‌پذیری کلی وجود دارد. از سوی دیگر، رابطه منفی معنی‌داری بین فعالیت‌های اوقات فراغت و رسانه‌های گروهی و شبکه‌های مجازی با مسئولیت‌پذیری کلی وجود دارد.

جدول شماره ۸: متغیرهای وارد شده در معادله رگرسیون برای تبیین واریانس مسئولیت‌پذیری کلی

ورود متغیرها	متغیرهای وارد معادله	R ²	F	Beta	T
اول	فعالیت‌های مذهبی	۰/۱۳۶	۱۸۲/۶۳**	۰/۳۶۹	۱۳/۵۱**
دوم	فعالیت‌های اوقات فراغت	۰/۱۴۳	۹۶/۷۵**	-۰/۰۸۵	-۳/۰۸
سوم	سبک ورزشی- فرهنگی	۰/۱۵۹	۷۲/۵۲**	۰/۱۵۶	۴/۵۵**
چهارم	رسانه‌های گروهی و شبکه‌های مجازی	۰/۱۶۶	۵۷/۴۳**	-۰/۱۱۲	-۳/۲۲**

** $p < 0.01$, * $p < 0.05$

جدول شماره ۸ نتایج تحلیل رگرسیون چند متغیره را به شیوه‌ی گام به گام برای متغیر وابسته مسئولیت‌پذیری کلی نشان می‌دهد. نتایج آماری نشان‌دهنده‌ی آن هستند که متغیرهای فعالیت‌های مذهبی، فعالیت‌های اوقات فراغت، سبک ورزشی- فرهنگی و رسانه‌های گروهی/ شبکه‌های مجازی به ترتیب وارد معادله شده‌اند. مدل رگرسیونی با ۴ متغیر فوق توانسته است تا ۱۶/۶ درصد تغییرات متغیر مسئولیت‌پذیری را تبیین کند.

۶- بحث و نتیجه‌گیری

این مطالعه رابطه بین سبک زندگی و مسئولیت‌پذیری فردی و اجتماعی را در بین دانش‌آموزان شیرازی مورد مطالعه قرار داد. نتایج تحقیق حاکی از این بود که اگرچه مسئولیت‌پذیری در مدرسه و مسئولیت‌پذیری فردی در میان دختران بیش از پسرها بود اما، مسئولیت‌پذیری اجتماعی پسرها بیش از دختران می‌باشد. این نتیجه همسو با نتیجه بدست آمده توسط منزیس و دیگران (۲۰۰۵) بوده است. بعلاوه، مسئولیت‌پذیری در مدرسه رابطه معنی‌داری با سبک زندگی جهانی شده، فعالیت‌های دینی و رسانه‌های جمعی و شبکه‌های مجازی دارد در حالی که با امکانات فرهنگی-ورزشی رابطه معنی‌داری ندارد. در مورد مسئولیت‌پذیری اجتماعی همانطور که در جداول نشان داده شد، رابطه مثبت معنی‌داری با فعالیت‌های دینی و رسانه‌های جمعی و شبکه‌های مجازی وجود داشت اما رابطه آن با سبک زندگی جهانی شده منفی بود. نهایتاً رابطه معنی‌داری بین فعالیت‌های دینی و رسانه‌های جمعی و شبکه‌های مجازی و مسئولیت‌پذیری فردی بدست آمد اما رابطه این متغیر با سبک زندگی جهانی شده منفی بود.

در مجموع باید گفت مسئولیت‌پذیری فردی و اجتماعی متغیر بسیار مهمی در ایجاد موفقیت فردی و احساس خودکارآمدی است. در واقع، احساس مسئولیت فردی یک پایه روانشناختی برای موفقیت و رفتار دیگرخواهانه و سهیم کردن دیگران در منابع، محسوب می‌شود. از آنجا که می‌توان مسئولیت‌پذیری را در دوره نوجوانی ایجاد کرد و ارتقاء داد، باید مسئولان آموزشی جامعه به این مهم توجه بیشتری داشته باشند. تلاش برای افزایش مسئولیت‌پذیری می‌تواند نه تنها رفتار دیگرخواهانه را افزایش دهد، بلکه در سطح کلان جامعه جرایم را (حداقل بخشی که تحت تأثیر این متغیر است) کاهش دهد و هزینه‌های برخورد با مسائل و مشکلات اجتماعی را با افزایش اعتماد و در نتیجه سطح سرمایه اجتماعی موجود در جامعه کمتر کند. به گواهی تحقیقات، سرمایه اجتماعی در ایران در سطح پایینی قرار داشته (سعادت، ۱۳۸۷؛ سیاهپوش، ۱۳۸۷) و در طول نسل‌ها دچار فرسایش شده است. کمک به رواج رفتارهای دیگرخواهانه می‌تواند به افزایش سطح سرمایه اجتماعی نیز کمک کند و از این طریق برکات مضاعفی برای جامعه ایرانی فراهم کند؛ زیرا افراد جامعه با احساس مسئولیت‌پذیری اجتماعی، اعتماد و سرمایه اجتماعی خود،

همه بار را به دوش مسئولان رسمی کشور نخواهند انداخت و با همکاری با یکدیگر برای حل مشکلات خواهند کوشید (سروش، ۱۳۹۰).

بطور کلی ابعاد مختلف مسئولیت‌پذیری می‌توانند از جنبه‌های مختلفی مفید فایده و کمک‌رسان به سطح عمومی زندگی فردی و اجتماعی باشند که از جمله آن‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

پاسخگویی در قبال وظایف خود، افزایش پویایی در میان افراد جامعه، بالاتر رفتن اعتماد به نفس افراد، افزایش نظارت اجتماعی، تقویت سرمایه انسانی، گسترش روحیه همکاری و تعاون در جامعه، افزایش مشارکت اجتماعی، ارتقاء سرمایه اجتماعی، فراهم شدن امنیت روانی افراد و جامعه، روابط اجتماعی بهتری با دیگران، بیشتر شدن اعتماد اجتماعی در جامعه بیشتر شود، افزایش رضایت درونی افراد.

۷- منابع

- استونز، ر. (۱۳۸۸). *متفکران بزرگ جامعه‌شناسی*، ترجمه مهرداد میردامادی، تهران: نشر مرکز.
- باکاک، ر. (۱۳۸۱). *مصرف*. ترجمه خسرو صبوری، تهران: انتشارات شیرازه.
- حمیدی، ن. و فرجی، م. (۱۳۸۶). "سبک زندگی و پوشش زنان در تهران". *تهران: فصلنامه تحقیقات فرهنگی*، سال اول، شماره ۱، پاییز ۱۳۸۶، صص ۶۵-۹۲.
- خدابخشی، م. و عابدی، م. (۱۳۸۸). «بررسی روش‌های افزایش مسئولیت‌پذیری در دانش‌آموزان دوره راهنمایی شهر شهرضا»، *مجله دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه الزهراء*، دوره ۵، شماره ۱، ۱۱۳-۱۳۷.
- ربانی، ر. و رستگار، ی. (۱۳۸۷). «جوان، سبک زندگی و فرهنگ مصرفی»، *ماهنامه مهندسی فرهنگی*، سال ۳، شماره ۲۳ و ۲۴، صص ۴۴-۵۳.
- روشه، گ. (۱۳۷۶). *جامعه‌شناسی تالکوت پارسونز*، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، تهران: نیان.
- سبحانی جو، ح. (۱۳۸۴). «خانواده، تحولات جهانی و مسئولیت‌های اجتماعی»، *نشریه پیوند*، شماره ۳۱۵، صص ۲۲-۳۵.
- سروش، م. (۱۳۹۱). «احساس مسئولیت فردی و اجتماعی، دیگرخواهی و اعتماد اجتماعی (مطالعه نوجوانان شیراز)»، *جامعه‌شناسی کاربردی*، سال ۲۳، پیاپی ۴۶، صص ۱۹۳-۲۱۱.
- سروش، م. (۱۳۹۰). *مقایسه بین نسلی سرمایه‌ها و فرصت‌های زندگی زنان و بازتاب آن‌ها در سبک زندگی*، (نمونه مورد مطالعه زنان ۲۵ تا ۳۹ سال شیراز و استهبان)، پایان‌نامه دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه شیراز.

- سعادت، رحمان (۱۳۸۷). «برآورد روند سرمایه اجتماعی در ایران با استفاده از روش فازی»، *تحقیقات اقتصادی*، سال ۴۳، ش ۸۳، صص ۵۶-۴۱.
- سیاهپوش، امیر (۱۳۸۷). «فرا تحلیل مطالعات سرمایه اجتماعی در ایران»، راهبرد فرهنگ، سال اول، شماره ۲، صص ۹۹-۱۲۴.
- طالبی، ا. و خوشبین، ی. (۱۳۹۱). «مسئولیت‌پذیری اجتماعی جوانان»، *فصلنامه علوم اجتماعی*، شماره ۵۹، صص ۲۰۷-۲۴۰.
- فاضلی، م. (۱۳۸۲). *مصرف و سبک زندگی*، تهران، نشر صبح صادق.
- کرایب، ی. (۱۳۸۹). *نظریه اجتماعی مدرن: از پارسونز تا هابرماس*، ترجمه عباس مخبر، تهران: نشر آگه.
- کلمز، ه. و بین، ر. (۱۳۸۵). *آموزش مسئولیت به کودکان*، ترجمه پروین علی پور، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- کوزر، ل. (۱۳۸۶). *زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
- ممتاز، ف. (۱۳۸۳). «طبقه از دیدگاه بوردیو»، *پژوهشنامه علوم انسانی*، شماره ۴۱ و ۴۲، صص ۱۶۰-۱۴۹.
- مهدی زاده، م. (۱۳۸۸). *مطالعه تطبیقی نظریه کاشت و دریافت در ارتباطات*، تهران: مرکز مطالعات و تحقیق و سنجش.
- ناظری، م. (۱۳۸۸). «مسئولیت‌پذیری، گامی بلند به سوی جامعه مدنی»، *گزارش*، سال ۱۸، شماره ۲۱۱، صص ۶-۷.
- همیلتون، م. (۱۳۸۷). *جامعه‌شناسی دین*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: ثالث.

- Arnett, J. (2000). "Emerging adulthood: A theory of development from the late teens through the twenties", *American Psychologist*, 55, 469 – 480.
- Barrick, M. R., & Mount, M. K. (1991). "The Big Five personality dimensions and job performance: A metaanalysis", *Personnel Psychology*, 44, 1 – 26.
- Bennett, R. (1999). "Children's Social Consciousness and the Development of Social Responsibility", *Educational Leadership*, 56, 4, pg. 91.
- Bourdieu, P. (1984). *Distinction*. London: Routledge and Kegan Paul.
- Escarti A., Gutierrez M., Pascual C. and Marin D. (2010) "Application of Hellison's Teaching Personal and Social Responsibility Model in Physical Education to Improve self- Efficacy for Adolescents at Risk of Dropping-out of School" *the Spanish Journal of Psychology*, Vol.13, No.2, p:667-676.
- Heiman, A., Just, D., McWilliams, B., Zilberman, D. (2009) "religiosity, life style and food consumption", *giannini foundation of agricultural economic*, http://www.agecon.ucdavis.edu/extension/update/articles/v8n2_4.pdf, [May 2009].
- Judge, T. A., Heller, D., & Mount, M. K. (2002). "Five-factor model of personality and job satisfaction: A metaanalysis". *Journal of Applied Psychology*, 87, 530 – 541.

- Kelley, M. A., Connor, A., Kun, K. E., & Salmon, M. E. (2008). Social responsibility: Conceptualization and embodiment in a school of nursing. *International Journal of Nursing Education Scholarship*, 5(1), Article 28.
- Kochanska, G. (1997). "Multiple pathways to conscience for children with different temperaments: From toddlerhood to age 5". *Developmental Psychology*, 33, 228 – 240.
- Kochanska, G., Murray, K. T., & Harlan, E. T. (2000). "Effortful control in early childhood: Continuity and change, antecedents, and implications for social development". *Developmental Psychology*, 36, 220 – 232.
- Lasater L., Robinson K. D., Willis T., Meyer C. L., Jahus N. R., Bush L., Beckett J. A., Bruck D. C. and Duffey K. R. (2003) "Using Social Responsibility Training (SRT) to Support Youth School Success", Research report in Character Development Systems, Available in www.CharacterDevelopmentSystems.com/pubs/research_report.pdf/.
- Lenehan. Eric. (1994). *Postmodern medievalism*. Philadelphia: University of Tasmania, General information.
- Martinek T., Schilling T. and Johenson D. (2001) "Transferins Personal and Social Responsibility of Underserved Youth to the Classroom", *The Urban Review*, Vol.33, No.1, pp: 29-45.
- Menzies R. G., Harris L. M., Cumming S. and Einstein D. A. (2005). "The Relationship Between Inflated Personal Responsibility and Exaggerated Danger Expectancies in Obsessive -Compulsive Concerns", *Behaviour Research and Theory*, Vol.38, p:1029-1037.
- Mergler A.(a), Spencer F. M. and Patton W. A. (2008). " Personal Responsibility : The Creation, Implementation and Evaluation of a School-Based Program", *Journal of Student Well-being*, Vol.2, No.1, pp: 35-51.
- Mergler A.(b), Spencer F. M. and Patton W. A. (2007). "Relationships Between Personal Responsibility, Emotional Intelligence and Self Steem in Adolescents and Young Adults", *The Australian Educational and Developmental Psychologist*, Vol.24, No.1, p: 5-18.
- Nofle, E. E., & Robins, R. W. (2007). "Personality predictors of academic outcomes: Big Five correlates of GPA and SAT scores". *Journal of Personality and Social Psychology*, 93, 116 – 130.
- Preston, Ch. (2005). "Advertising to children and social responsibility", *World Advertising Research Center*, Quarter 3, pp. 61-67.
- Roberts, B. W. (1997). "Plaster or plasticity: Are adult work experiences associated with personality change in women?" *Journal of Personality*, 65, 205 – 232.
- Roberts, B. W., Bogg, T., Walton, K. E., Chernyshenko, O. S., & Stark, S. E. (2004). "A lexical investigation of the lower-order structure of conscientiousness". *Journal of Research in Personality*, 38, 164 – 178.
- Ross, E., Karvonen, S. (2004) "life styles, social background and eating pattern of 15-year- old boys and girls in Finland" ; *Journal of youth studies*, Vol, 17, No. 3, pp. 331- 349.
- Saulsman, L. M., & Page, A. C. (2004). "The five-factor model and personality disorder empirical literature: A meta-analytic review". *Clinical Psychology Review*, 23, 1055 – 1085.

- Sarrafzadegan, N., Kelishadi, R., et al. (2009). "Do life style interventions work in developing countries? Finding from the isfahan healthy heart program in the Islamic Republic of Iran", *bull word health organ*, Vol. 87, pp. 33- 50.
- Southerton Dale. (2001). "Consuming Kitchens: Taste, context and identity formation." *Journal of Consumer Culture*, Vol 1(2): 179-203.
- Tomlison, Mark (2003). "Life style and social class", *European sociological review*, Vol. 19, No. 1, pp. 97-111.
- Warton, P. M. (2001). "The forgotten voices in homework: Views of students". *Educational Psychologist*, 36, 155 – 165.
- Winter, D. G. (1992). Responsibility. In C. P. Smith & J. W. Atkinson (Eds.), *Motivation and personality: Handbook of thematic content analysis*, (pp. 500 – 505). New York: Cambridge University Press.
- Wood, D., Gosling, S. D., & Potter, J. (2007). "Normality evaluations and their relation to personality traits and well-being". *Journal of Personality and Social Psychology*, 93, 861 – 879.
- Wood, D., & Roberts, B. W. (2006). "The effect of age and role information on expectations for Big Five personality traits". *Personality and Social Psychology Bulletin*, 32, 1482 – 1496.
- Wray-Lake, L. (2010). *The development of school responsibility adolescence: Dynamic socialization, values and action*, UMI Dissertation Publishing.
- Yalom, I. D. (1980). *Existential psychotherapy*. Itasca, IL: F.E. Peacock.